

ترجمہ

جواهر الکلام

علاج و شرکت

تألیف استاد فقہا شیخ محمد حسن نجفی

ترجمہ، شرح و توضیح

دکتر اکبر نایب زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

فهرست

کتاب صلح

- ۱- آیات در مورد مشروعیت صلح ۱۵
- ۲- روایات در مورد مشروعیت صلح ۱۶
- ۳- تعریف صلح ۱۷
- ۴- صلح عقد مستقلی است ۱۹
- ۵- عقیده شیخ و شافعی ۲۰
- ۶- صلح با اقرار و انکار صحیح است ۲۱
- ۷- اگر مبلغ را می‌داند باید بگوید ۲۳
- ۸- گفته مسالک ۲۴
- ۹- اگر بعداً کشف خلاف شد ۲۵
- ۱۰- آیا صلح مانند قسم منکر است ۲۷
- ۱۱- صلحی که حلال را حرام و بالعکس کند باطل است ۲۹
- ۱۲- استثناء در الا ما احلّ حراماً متصل است یا منفصل ۳۰
- ۱۳- با دانستن و ندانستن مورد صلح ۳۱
- ۱۴- اگر یکی می‌داند و دیگری نمی‌داند ۳۲
- ۱۵- چه دین باشد و چه عین صلح صحیح است ۳۳
- ۱۶- قابل شناسایی باشد یا نباشد ۳۴
- ۱۷- شناختن ممکن باشد یا نباشد ۳۵
- ۱۸- شافعی گفته بر مجهول صلح جایز نیست ۳۸
- ۱۹- عقد صلح لازم است ۴۰

- ۲۰- سود مال یکی و زیان مال دیگری..... ۴۰
- ۲۱- اگر دو نفر خانه‌ای را ادعا کنند..... ۸۲
- ۴۲- اگر مقرر له آن را به عوضی صلح کند..... ۸۳
- ۴۳- اگر ادعای آنان به سبب واحد نباشد..... ۸۴
- ۴۴- یکی از دو طلبکار سهم خود را صلح کند..... ۹۱
- ۴۵- اگر مرد اقرار مال یکی است..... ۹۲
- ۴۶- زنی نیست سبب ارث یا غیر ارث باشد..... ۹۴
- ۴۷- اگر با خوانده منکر آب دادن مزرعه صلح کنند..... ۹۶
- ۴۸- شیخ این را صلح نمی‌داند..... ۹۷
- ۴۸- بر جاری کردن آب با آن صلح کنند..... ۹۸
- ۴۹- در اینصورت مجرا باید معلوم باشد..... ۹۹
- ۵۰- برای بردن آب از جوی معلوم مصالحه کنند..... ۱۰۰
- ۵۱- اگر خوانده پیشنهاد صلح داد اقرار نیست..... ۱۰۱
- ۵۲- اگر دیگری مصالحه کند فضولی است..... ۱۰۳

مسأله یک

- ۵۳- روشنایی و خروجی به بیرون دادن جایز است..... ۱۰۵
- ۵۴- کسی حق اعتراض ندارد..... ۱۰۶
- ۵۵- مشروط بر این به ضرر رهگذران نباشد..... ۱۰۷
- ۵۶- آیا راهها ملک کسی است..... ۱۱۰
- ۵۷- ساختن زیر زمین زیر راه عبور مردم..... ۱۱۱
- ۵۸- ساختن جوی برای آب..... ۱۱۲
- ۵۹- اگر روشنایی و خروجی مضر بود..... ۱۱۳
- ۶۰- در باز کردن به کوچه..... ۱۱۴
- ۶۱- کوچه بن‌بست ملک صاحبانش است..... ۱۱۵

- ۶۲- بدون اجازه تصرفی در آن جایز نیست ۱۱۶
- ۶۳- اردبیلی در مالکیت کوچه بن‌بست ایراد کرده است ۱۱۷
- ۶۴- داخل شدن و نشستن دیگران در آنجا ۱۲۰
- ۶۵- کسی نمی‌تواند در آن دربار کند ۱۲۲
- ۶۶- مصالحه برای خروجی و روشنایی ۱۲۳
- ۶۷- اگر کسی در دو کوچه بن‌بست دو خانه دارد ۱۲۵
- ۶۸- از وسط آنها در باز کند ۱۲۶
- ۶۹- اگر در کوچه بن‌بست تصرفی شد ۱۲۸
- ۷۰- اگر در کوچه از نافه زایی بود ۱۲۹
- ۷۱- در کوچه بن‌بست خن می‌راند در خود را جلو بکشد ۱۳۲
- ۷۲- هیچکدام بدون اجازه حق خروجی و روشنایی ندارند ۱۳۵
- ۷۳- درست کردن سکو در کوچه بن‌بست جایز نیست ۱۳۷
- ۷۴- در کوچه بن‌بست خروجی و روشنایی ۱۳۹
- ۷۵- اگر مال یکی خراب شد دیگری به جای آن می‌تواند بسازد ۱۴۰

مسأله دوم

- ۷۶- گذاشتن تیر روی دیوار همسایه ۱۴۳
- ۷۷- اگر اجازه داد رجوع جایز است ۱۴۴
- ۷۸- شیخ معتقد بود که قابل رجوع نیست ۱۴۵
- ۷۹- در دفن رجوع جایز نیست چون نبش حرام است ۱۵۰
- ۸۰- قاعده لاضرر مقتضی است عدم جواز رجوع است ۱۵۱
- ۸۱- اگر خراب شد نیاز به اجازه جدید دارد ۱۵۳
- ۸۲- عقیده شیخ ۱۵۳
- ۸۳- اگر برای گذاشتن سر تیر مصالحه کنند ۱۵۵
- ۸۴- تصرف در موقوفه به هیچ وجه جایز نیست ۱۵۷

مسأله سوم

- ۸۵- اختلاف در دیوار وسط ۱۵۸
- ۸۶- هر دو قسم می‌خورند ۱۵۹
- ۸۷- چه قسم بخورند و چه نخورند نصف نصف تقسیم می‌کنند ۱۶۰
- ۸۸- اگر به ساختمان یکی متصل بود ۱۶۰
- ۸۹- اگر یکی بر تیر روی دیوار داشت ۱۶۲
- ۹۰- تیری دیوار علامت مالکیت نیست ۱۶۴
- ۹۱- اگر در چاه اختلاف کردند ۱۶۶
- ۹۲- روایات در این مورد ۱۶۶
- ۹۳- قول شافعی و ابوحنیفه بر خلاف روایات ۱۶۷

مسأله چهارم

- ۹۴- تصرف در دیوار مشترک ۱۶۹
- ۹۵- برخی چیزها از تصرف استثناست ۱۷۰
- ۹۶- نمی‌تواند دیوار مشترک را بتراند ۱۷۲
- ۹۷- اگر دیوار وسط خراب شد ۱۷۳
- ۹۸- اگر یکی دیوار را با مصالح خود ساخت ۱۷۴
- ۹۹- اگر شریک اجازه نداد ۱۷۷
- ۱۰۰- اگر شریک به قصد ضرر زدن اجازه نمی‌دهد ۱۷۸
- ۱۰۱- روایات در خصوص دخالت حاکم ۱۷۹
- ۱۰۲- دخالت حاکم از باب سیاسیات است ۱۸۲
- ۱۰۳- اگر در چاه آب یا نهر شریک بودند ۱۸۳
- ۱۰۴- در تحتانی و فوقانی بر ساختن کسی اجبار نمی‌شود ۱۸۴
- ۱۰۵- مگر این که قراردادی باشد ۱۸۵
- ۱۰۶- اگر یکی دیوار را خراب کند ۱۸۷

- ۱۰۷- اگر با اجازه شریک خراب کند..... ۱۸۸
- ۱۰۸- بر ساختن زیادتر و یا کمتر مصالحه کنند..... ۱۹۰
- ۱۰۹- دیوار مشترک را می توان تقسیم کرد..... ۱۹۲
- ۱۱۰- اگر به ضرر یکی بود تقسیم نمی شود..... ۱۹۴
- ۱۱۱- اگر تیرهای دوخانه روی یک دیوار بود..... ۱۹۵
- ۱۱۲- اختلاف فوقانی و تحتانی..... ۱۹۸
- ۱۱۳- دیوارهای بالا مال بالا..... ۱۹۹
- ۱۱۴- اگر در ستب اختلاف داشتند..... ۲۰۱
- ۱۱۵- برخی گفته اند قرعه می کشند..... ۲۰۲
- ۱۱۶- سقفی که با خود خانه واحد می شود..... ۲۰۳
- مسأله ششم

- ۱۱۷- شاخه ها یا ریشه های درخت وارد ملک دیگری شود..... ۲۰۵
- ۱۱۸- مالک می تواند آنها را قطع کند..... ۲۰۶
- ۱۱۹- همسایه نمی تواند آنها را بسوزاند..... ۲۰۸
- ۱۲۰- اگر بر ماندن آنها مصالحه کنند..... ۲۰۹
- ۱۲۱- اگر مصالحه کنند که روی دیوار بماند..... ۲۱۰
- ۱۲۲- طبقه بالا و پایین در پلکانها اختلاف کنند..... ۲۱۱
- ۱۲۳- اختلاف در زیر پلکان..... ۲۱۲
- ۱۲۴- در زیر پلکان مساوی هستند..... ۲۱۳
- ۱۲۵- قرعه بهتر است..... ۲۱۵
- ۱۲۶- اختلاف در حیاط..... ۲۱۶
- ۱۲۷- اگر پلکانها از پشت حیاط بود..... ۲۱۷

تتمه

- ۱۲۸- یکی سوار و دیگری از افسار حیوان بگیرد..... ۲۱۹

- ۱۲۹- یکی مقدار زیاد و دیگری مقدار کم لباس را در دست داشته باشد ۲۲۰
- ۱۳۰- اگر بار یکی روی شتر بود ۲۲۱
- ۱۳۱- فوقانی که روی خانه دیگری است ۲۲۲

کتاب شرکت

فصل اول

- ۱۳۲- در اقسام شرکت ۲۲۳
- ۱۳۳- در غنی لغوی شرکت ۲۲۴
- ۱۳۴- جامع و مع بر دو تعریف ۲۲۵
- ۱۳۵- مالکیت نقایض شرکت، شرکت نیست ۲۳۰
- ۱۳۶- مالکیت مشاع شرکت است ۲۳۱
- ۱۳۷- شرکت عقد است ۲۳۳
- ۱۳۸- حدائق منکر شرکت است ۲۳۵
- ۱۳۹- مال مشترک یا عین است یا منفعت ۲۴۰
- ۱۴۰- و گاهی حق است ۲۴۰
- ۱۴۱- اسباب شرکت ارث، عقد، مزج است ۲۴۱
- ۱۴۲- و گاهی حیات است ۲۴۲
- ۱۴۳- در حیات شرکت نیست ۲۴۲
- ۱۴۴- اگر با هم درختی را کنده یا آبی را حیات کنند ۲۴۳
- ۱۴۵- اگر دو مال طوری مخلوط شود که ۲۴۴
- ۱۴۶- در مزج باید آن دو مال در جنس و صفت یکی باشند ۲۴۶
- ۱۴۷- اگر مثل هم نبوندند شرکت تشکیل نمی شود ۲۵۱
- ۱۴۸- قدر یقین از مزج ۲۵۴
- ۱۴۹- راه تشکیل شرکت در غیر هم جنس ۲۵۶
- ۱۵۰- شرکت کارگری صحیح نیست ۲۵۷

- ۱۵۱- شرکت وجوه به عقیده ابن جنید ۲۵۹
- ۱۵۲- اگر دستمزدشان یکی بود شریکند ۲۶۱
- ۱۵۳- شرکت وجوه صحیح نیست ۲۶۲
- ۱۵۴- شرکت مفاوضه صحیح نیست ۲۶۳
- ۱۵۵- فقط شرکت عنان (اموال) صحیح است ۲۶۴
- ۱۵۶- در شرکت اموال طرفین در سود و زیان شریکند ۲۶۸
- ۱۵۷- اگر برای یکی سود زیادتری شرط شود ۲۶۹
- ۱۵۸- شرط باطل است ۲۷۰
- ۱۵۹- برای لزوم، رضا کاف نیست ۲۷۲
- ۱۶۰- اگر برای عامر سود زیادتر شرط کنند ۲۷۲
- ۱۶۱- این شرط صحیح نیست ۲۷۵
- ۱۶۲- اگر شرکت باطل بود ۲۷۷
- ۱۶۳- استدلال با قاعده لایضمن ۲۷۹
- ۱۶۴- هیچ شریکی بدون اذن بقیه حق تصرف ندارد ۲۸۱
- ۱۶۵- اگر مسافرت خطر داشت جایز نیست ۲۸۲
- ۱۶۶- اگر سفر مشخص است غیر از آن جایز نیست ۲۸۳
- ۱۶۷- اگر هر یکی به دیگری اجازه دهند ۲۸۴
- ۱۶۸- هر یک می‌تواند از اذن خود رجوع کند ۲۸۵
- ۱۶۹- با فسخ یکی شرکت منفسخ می‌شود ۲۸۷
- ۱۷۰- شرط مدت در شرکت صحیح نیست ۲۸۸
- ۱۷۱- شریک ضامن تلف نیست ۲۹۱
- ۱۷۲- اگر ادعای خیانت شد ۲۹۲

فصل دوم

در تقسیم مال مشترک

- ۱۷۳- تقسیم جدا کردن حق است ۲۹۳

- ۱۷۴- تقسیم با رضایت همگی ممکن است ۲۹۴
- ۱۷۵- تقسیم بر دو قسم است ۲۹۵
- ۱۷۶- پس از تعدیل قرعه می‌کشند ۲۹۶
- ۱۷۷- پس از قرعه نیز رضایت شرکاء لازم است ۲۹۷
- ۱۷۸- روایات مسأله ۲۹۹
- ۱۷۹- اگر یکی از شرکاء درخواست تقسیم کند ۳۰۵
- ۱۸۰- چنان که تقسیم آن ضرر دارد ۳۰۶
- ۱۸۱- اگر شرکاء را سه قسم بودند ۳۰۷
- ۱۸۲- اگر شرکت کنند تقسیم بکنند ۳۱۰
- ۱۸۳- تقسیم وقف صحیح نیست ۳۱۳
- ۱۸۴- چه واقف یکی یا متعدد باشد ۳۱۴
- ۱۸۵- در یک صورت تقسیم وقف صحیح است ۳۱۴
- ۱۸۶- وقف اگر مشرف به نابودی بود ۳۱۷
- ۱۸۷- تقسیم وقف از طلق صحیح است ۳۱۸

فصل سوم

در لواحق شرکت

مسأله یکم

- ۱۸۸- با دادن ابزار شرکت تشکیل نمی‌شود ۳۱۹
- ۱۸۹- اگر کسی برای بارکشی حیوانی را بدهد ۳۲۳
- ۱۹۰- اگر یکی دکان و دیگری آسیا و سومی قاطر بدهد ۳۲۶

مسأله دوم

- ۱۹۱- وکالت در حیازت مباحات صحیح نیست ۳۲۸
- ۱۹۲- برای مالک شدن در حیازت نیت لازم است ۳۲۹
- ۱۹۳- به عقیده شیخ نیت لازم است ۳۳۵

۱۹۴- شاید در این مسأله نزاع لفظی است ۳۳۶

۱۹۵- منظور از نیت قصد حیات است ۳۳۷

مسأله سوم

۱۹۶- هر اذن در تصرف مضاربه نیست ۳۳۸

۱۹۷- بلکه آن بضاعت است ۳۳۹

مسأله چهارم

۱۹۸- اختلاف در شریک ۳۴۰

مسأله پنجم

۱۹۹- اختلاف در قبض ثمن ۳۴۱

۲۰۰- شهادت شریک پذیرفته است ۳۴۲

۲۰۱- این در صورتی است که شریک با خریدار اختلاف داشته باشد ۳۴۶

۲۰۲- اگر شریک با شریک اختلاف کنند ۳۴۶

۲۰۳- اگر خریدار بگوید به شریک دادم ۳۴۷

۲۰۴- شهادت خریدار و شریک را نباید پذیرفت ۳۴۸

مسأله ششم

۲۰۵- دو نفر کالاهایشان را با هم بفروشد ۳۴۹

۲۰۶- به قول برخی ناصحیح و به قول برخی دیگر صحیح است ۳۵۰

مسأله هفتم

۲۰۷- چند نفر شرکعی با هم کار کنند ۳۵۱

۲۰۸- اگر مشتبه شد هر کدام معادل دستمزد می گیرد ۳۵۲

۲۰۹- اصل تساوی نیست ۳۵۳

مسأله هشتم

۲۱۰- اگر یکی از دو شریک مقداری از طلب را وصول کند ۳۵۶

۲۱۱- روایات در این مورد ۳۵۷

- ۲۱۲- اگر بدون اذن شریک گرفته است ۳۵۸
- ۲۱۳- اگر در دست او تلف شد ۳۵۹
- ۲۱۴- وقتی مالک آن است که ۳۶۱
- ۲۱۵- ابن ادریس گفته آنچه را که گرفته مالک می شود ۳۶۲
- ۲۱۶- استدلال مفصل ابن ادریس ۳۶۳
- ۲۱۷- کم کی به قول ابن ادریس مایل شده است ۳۶۴
- ۲۱۸- پاسخ از استدلال ابن ادریس ۳۶۵
- مسأله نهم**
- ۲۱۹- اجیر کردن بری - اذت مباحات ۳۶۹
- ۲۲۰- اگر توکیل جایز بود اجازت هم جایز است ۳۷۰
- ۲۲۱- اجیر کردن برای شکار معصوم حایج نیست ۳۷۱
- ۲۲۲- فهرست عمومی ۳۷۲
- ۲۲۳- اسامی مقدس ۳۷۵
- ۲۲۴- آیات کریمه ۳۷۷
- ۲۲۵- روایات وارده ۳۷۹
- ۲۲۶- اعلام ۳۸۳
- ۲۲۷- شرح مختصری بر اعلام ۳۸۹
- ۲۲۸- منابع ۴۱۶
- ۲۲۹- شرح مختصری بر منابع ۴۲۳
- ۲۳۰- مواد قانونی ۴۳۹
- ۲۳۱- کتاب هایی که در نوشتن تعلیقات استفاده شده است ۴۴۳